

۱ آرایه‌ی استعاره را در بیت زیر مشخص کنید و مفهوم آن را بنویسید.
«برگن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برکند»

۲ با توجه به ابیات «تا واره‌ی از دم ستوران / وین مردم نحس دیوماند،
با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند»،
الف) شیر سپهر استعاره از چیست؟
ب) مفهوم کلی دو بیت، خلق کدام آرایه را به یاد می‌آورد؟

۳ در بیت «پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند»، «سوخته جان» چه کسی است؟

۴ بیت زیر به شیوه‌ی بلاغی سروده شده است. آن را به یک جمله عادی برگردانید.
«چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خموش و آوند»

۵ درباره‌ی شیوه‌ی بیان نویسنده توضیح دهید.

۶ معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را در متن درس بیابید.
الف) سیرپر مُلک عطا داد کردگار تو را / به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد (ظهیرالدین فارابی)
ب) دردناک است که در دام شغال افتد شیر / یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم (شهریار)

۷ با توجه به بیت «تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل‌بند» به نظر شاعر، چرا دماوند چهره در ابر پنهان کرده است؟

۸ با توجه به ابیات زیر چرا زمین به سوی آسمان مشت زده است؟
«چون گشت زمین ز جور گردون / چونین خفه و خموش و آوند،
بنواخت ز خشم بر فلک مشت / آن مشت تویی تو ای دماوند»

۹ در شعر زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
بخروش چو شرزه شیر اِرنَد

۱۰ عبارت زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
از سر بکش آن سپید معجر

۱۱ بیت «خامش منشین، سخن همی گوی / افسرده مباش، خوش همی خند» با کدام بیت زیر هم مفهوم است؟

الف) تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند
ب) شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند

۱۲ یک آرایه ادبی در بیت زیر بیابید و بنویسید.
«تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل‌بند»

۱۳ در بیت «پنهان مکن آتش درون را/ زین سوخته جان، شنو یکی پند»، منظور از «سوخته‌جان» چه کسی است؟

۱۴ در شعر زیر معنی واژه مشخص شده را بنویسید.
تو قلبِ فسرده‌ی زمینی

۱۵ ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
«از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند
تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند»
الف) منظور شاعر «کله خود سیمین» و «کمر بند آهنین» چیست؟
ب) شاعر در بیت دوم، به کدام صفت کوه دماوند اشاره می‌کند؟

۱۶ در شعر زیر، مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.
«تا درد و ورم فرو نشیند/ کافور بر آن ضماد کردند»

۱۷ معنی بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
از سر بکش آن سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند

۱۸ با توجه به بیت زیر شاعر برآمدگی کوه دماوند را به چه دلیلی می‌داند؟
«تو قلب فسرده‌ی زمینی / از درد ورم نموده یک چند»

با توجه به ابیات زیر، به ۳ پرسش بعدی پاسخ دهید.
بنواخت ز خشم بر فلک مشت / آن مشت تویی تو، ای دماوند!
نی نی، تو نه مشت روزگاری / ای کوه نیم ز گفته خرسند
تو قلب فسرده‌ی زمینی / از درد، ورم نموده یک چند

۱۹ منظور از «ورم» چیست؟

۲۰ چرا شاعر از تشبیه دماوند به مشت روزگار، ناخرسند است؟

۲۱ منظور نهایی شاعر از «دماوند» کیست؟

با توجه به متن زیر، به ۳ پرسش بعدی پاسخ دهید.
«گر آتش دل نهفته داری / سوزد جان، به جانست سوگند
ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه بخت فرزند
از سر بکش آن سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند»

۲۲ در بیت اول «آتش دل» چه مفهومی دارد؟

۲۳ مقصود از «مادرِ سرسپید» چیست؟

۲۴ در مصراع دوم بیت آخر، شاعر چه خواسته‌ای را مطرح می‌کند؟

۲۵ با توجه به بیت «تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل‌بند» چرا دماوند چهره در ابر پنهان کرده است؟

۲۶ در بیت زیر معنی واژه‌ی مشخص شده را بنویسید.
چون گشت زمین ز جور گردون
چونین خفه و خموش و آوند

با توجه به دو بیت زیر:
«تا وارهی از دم ستوران
با شیر سپهر بسته پیمان»
وین مردم نحس دیوماند
با اختر سعد کرده پیوند

۲۷ بیت دوم بیانگر کدام صفت کوه دماوند است؟

۲۸ «ستوران» توصیف چه کسانی است؟

۲۹ «شیر سپهر» مجازاً چه معنایی دارد؟

۳۰ باتوجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
«تا چشم بشر نبیندت روی
تا وارهی از دم ستوران
با شیر سپهر بسته پیمان»
بنهفته به ابر، چهر دل‌بند
وین مردم نحس دیو ماند،
با اختر سعد کرده پیوند»
۱) شاعر چه دلیلی برای پنهان کردن چهره‌ی دماوند آورده است؟
۲) «شیر سپهر» در بیت آخر اشاره به چیست؟

با توجه به ابیات زیر به ۳ سؤال داده شده پاسخ دهید.
«از سر بکش آن سپید معجر
تو مشت درشت روزگاری
زین بی خردان سفله بستان»
بنشین به یکی کبود اورند
از گردش قرن‌ها پس افکند
داد دل مردم خردمند

۳۱ در بیت اول مقصود شاعر از «سپید معجر» چیست؟

۳۲ در کدام بیت تشبیه دیده می‌شود؟

۳۳ در بیت سوم منظور از «بی‌خردان سفله» چه کسانی است؟

این پند سیاه بخت فرزند
بنشین به یکی کبوداوردند»

باتوجه به شعر زیر به سوالات زیر پاسخ دهید:
«ای مادر سر سپید، بشنو
از سربکش آن سپید معجر

۳۴ منظور از «مادر سر سپید» چیست؟

۳۵ کدام مصرع به خود شاعر اشاره دارد؟

۳۶ در مصراع آخر یک عبارت کنایی بیابید و معنی آن را بنویسید.

- ۱ بنا: در مصراع اول، استعاره از ظلم است. (ص ۳۵)
- ۲ الف) خورشید (آفتاب) (ب) حسن تعلیل (ص ۳۴)
- ۳ ملک الشعراى بهار (خود شاعر) (ص ۳۵)
- ۴ «چون زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند گشت» (ص ۳۴)
- ۵ داستان به شیوه‌ی طنز بیان شده است.
- ۶ الف) سریر: اورند
ب) فرومایه: سفله
- ۷ چون از چشم بشر دور بماند (تا مردم او را نبیند) (۰/۵)
- ۸ چون زمین از ظلم و جور روزگار خشمگین شده است. (۰/۵)
- ۹ خشمگین، قهرآلود (۰/۲۵)
- ۱۰ روسری سفید (برف) را از سر خود (روی قلّه) بردار. (۰/۵)
- ۱۱ گزینه‌ی ب درست است. (۰/۲۵)
- ۱۲ حسن تعلیل یا مراعات‌النظیر یا تشخیص (استعاره مکنیه) (۰/۲۵) - درس ۱۹ - ص ۸۱
- ۱۳ شاعر (ملک الشعراى بهار) (۰/۲۵)
- ۱۴ یخزده، منجمد (۰/۲۵)
- ۱۵ الف) کله خود سیمین: برف روی کوه (۰/۲۵)
ب) بلندی و ارتفاع (۰/۲۵)
کمربندآه‌نین : تیرگی مینه کوه (۰/۲۵)
- ۱۶ به ترتیب: برآمدگی قلّه‌ی کوه (۰/۲۵)، مرهم نهادن (بستن چیزی برزخم) (۰/۲۵)
- ۱۷ آن روسری سپید را از سرت بردار و در شکوه و منزلت بنشین.
- ۱۸ درد حاصل از افسردگی زمین
- ۱۹ قلّه‌ی کوه
- ۲۰ چون کوه، آتشفشان نمی‌کند. (چون مردم قیام نمی‌کنند.)
- ۲۱ مردم ایران

۲۲ خشم (نفرت، سوز و درد) (۰/۲۵)

۲۳ دماوند پر از برف (۰/۲۵)

۲۴ فرّ و شکوه (شأن و شوکت) خود را نشان بده (بر تخت بنشین) (۰/۵)

۲۵ برای این که چشم انسان‌ها صورتش را نبیند. (هر پاسخی نظیر این مفهوم) (۰/۵)

۲۶ معلق (۰/۲۵)

۲۷ بلندی

۲۸ افراد پست (یا نادان)

۲۹ خورشید (یا آسمان)

۳۰ (۱) رهایی از دست مردمان بد آن روزگار (۰/۲۵) (۲) آفتاب (۰/۵)

۳۱ برف نوک قلّه (۰/۲۵)

۳۲ بیت دوم (۰/۲۵)

۳۳ حاکمان نادان (۰/۲۵)

۳۴ دماوند پوشیده از برف (۰/۵)

۳۵ مصراع دوم بیت اول (این پند سیاه بخت فرزند) (۰/۵)

۳۶ برتخت نشستن (۰/۲۵) کنایه از قدرت را به دست گرفتن (۰/۲۵)

